

آسیب‌شناسی اصطلاحات بیگانه در عرصهٔ نقد ادبیات معاصر فارسی

هادی جاهد*

چکیده

زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان رسمی کشور در عرصه تبادل مضامین فکری دارای آمیختگی محتوایی و ظاهری با مبانی غربی گردیده است. با مراجعه به مبانی ساختاری متن‌های بیگانه می‌توانیم به بیان ساختارهای مشابه فارسی در قالب اصطلاحات بومی و نو ساخته بپردازیم. به عقیده ما این نکته می‌تواند سرآغاز حرکت به سوی پویایی افکار گردد چرا که بومی‌سازی اصطلاحات تخصصی هر متن بویژه در عرصه ادبیات ملی می‌تواند به تواناسازی درونمایه ادبیات و اثرگذاری متقابل آن بر ادبیات جهانی کمک شایان توجه گرداند. در بیان اهمیت این موضوع وجود اصطلاحات فراوان انگلیسی که از طریق ترجمه به عرصه نقد ادبی ادبیات ایران وارد گردیده است لزوم پژوهش‌های گسترده در این عرصه را ضروری می‌نماید. ما برآنیم تا با بیان پاره‌ای از اصطلاحات بیگانه به معادل سازی مناسب واژگانی در عرصه ملی بپردازیم این امر در بنیان معناگرایی هر متن استقلال شخصیتی و ملی ایجاد کرده و به پربارسازی متن‌های ادبی در قالب اصطلاحات نوظهور نگاه موشکافانه خواهد داشت. با وجود این نکته در این مقاله به ارائه پاره‌ای از اصطلاحات تخصصی در عرصه نقد ادبی زبان و ادبیات فارسی با توجه به دلالت‌های لفظی و درونمایه‌ای می‌پردازیم و به ارائه نمونه‌های

*. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.

پیشنهادی در جایگزینی این اصطلاحات مهاجم بر فرهنگ جامعه اسلامی به تحلیل و بیان جایگاه هر یک از این اصطلاحات خواهیم پرداخت. این مقاله می‌تواند در آینده‌ای نزدیک به پدید آمدن فرهنگ‌های اختصاصی اصطلاحات ادبیات بومی در عرصه نقد ادبی ایران بیانجامد.

کلیدواژه‌ها: اصطلاحات، ساختار، درونمایه، بومی، بیگانه

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر شاهد گسترش علوم مختلف در سطح جهان بوده ایم. از آنجایی که اکثر علوم از غرب وارد شده و به ظاهر سابقه‌ای در کشور ما ندارند؛ مطالعات معاصر، مفاهیم و واژه‌های متنوع و جدیدی را به همراه خود آورده‌اند که همواره نیازمند ترجمه و هضم در زبان بومی فارسی بوده است.

"غرب زدگی ادبی - که جزء لا ینفک عقب ماندگی علمی و ادبی کشور ماست - از چند زاویه قابل بررسی است. مهمترین آنها تقلید از شیوه‌های تحقیقاتی فرنگی‌ها است. یعنی گاهی محققان ما به دنبال تحقیقاتی رفته‌اند که فرنگیان شرق شناس از سر علاقه شخصی یا تدابیر سیاسی و اقتصادی و... رفته‌اند نه تحقیقاتی که دردی از زبان علم و ادب فارسی را درمان کند. از آن جمله است تصحیح برخی متون، تحقیق در زبان‌های قدیم و پیش از اسلام، علم کردن شعر نو، آن هم از نوع تقلیدی و بی محتوا در برابر شعر کلاسیک و سنتی فارسی و کارهایی از این دست، در حالی که کارهای فوری زبان و ادب فارسی معطل مانده است. لذا مباحث اصلی زبان فارسی یعنی ترجمه، زبان رسمی معاصر، اصطلاح سازی، تدریس صحیح فارسی، رسم الخط و سبک شناسی، جدی گرفته نشده است. (فرشیدور، ۱۳۶۳: پیشگفتار)

شناخت و به دنبال آن، آسیب شناسی اصطلاحات بیگانه از مقوله‌هایی است که هم راستا با این هدف‌ها در پی چاره جویی و جستجوی استقلال هویتی ملت‌ها است. اصطلاحات موجود در بستر متن‌های ادبی، نشان از بعد فکری و گستره اندیشه‌ای دانشوران معاصر ملت‌ها است، که متأسفانه چندان که متوقع هستیم از پویایی لازم، برخوردار نمی‌باشد؛ این موضوع با نگاه کوتاهی به متن‌های تخصصی عرصه نقد ادبیات بومی ما نیز مشهود و قابل درک است. ما در این مقاله با فرض این دیدگاه برآنیم در پی